




The Chabahar International Regime and its Impact on Trade and Security Arrangements of the Islamic Republic of Iran

Ali Adami 

Member of the Faculty of Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran

Mohammadali Rahiminezhad  *

Ph.D. Student of International Relations Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran

Amir Hossein Arabpour 

Masters student Imam Sadiq University, Tehran, Iran

Abstract

Chabahar is one of the strategic points of the Islamic Republic of Iran and the region with great potential in terms of access to open waters and geographical location. The Chabahar International Regime is a potential case in point to enhance Iran's trade exchanges across the region and the world. In this regard, the main question of this paper is: What effect does the establishment of the international Chabahar regime have on the commercial and security arrangements of the Islamic Republic of Iran? The main hypothesis of the paper is that the Chabahar international regime, with its special geostrategic position and high commercial capacity in the region, can increase trade exchange and improve the security of the Islamic Republic of Iran in the world. The Islamic Republic of Iran can also play a key role in the commercial and security arrangements of the Chabahar project in a way that contributes to increased security and economic stability at the national and regional levels. Accordingly, the research method used in this paper is explanatory-analytical; and library and statistical studies have been used for data analysis. According to the subject of this article, applying the theory of international regimes can help us in two aspects of Chabahar's characteristics and capacities to transform the international regime on the one hand and its role in the commercial and security arrangements of Iran. The result of the


*Corresponding Author: ali.rahimi0872@gmail.com


How to Cite: Adami, A., Rahiminezhad, M. Arabpour, A. H. (2023). The Chabahar International Regime and its Impact on Trade and Security Arrangements of the Islamic Republic of Iran. *Marine and Port Servicesch*, 1(1), 207-235.


article is that the international regime of Chabahar can stabilize Iran's environment through economic diplomacy and resolving conflicts with influential countries in the world so that the viability of attracting capital, economic cooperation and trade in goods and services is realized.

Keywords: Chabahar International Regime, National Interest, Business and Security Arrangements, National Security, Economic Diplomacy

رژیم بین‌المللی چابهار و تأثیر آن بر ترتیبات تجاری و امنیتی جمهوری اسلامی ایران

علی آدمی  عضو هیئت‌علمی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

محمدعلی رحیمی نژاد  * دانشجوی دکتری رشته روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

امیرحسین عرب پور  دانش‌آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران

چکیده

رژیم بین‌المللی چابهار یک نمونه موردی بالقوه در راستای پیشرفت و افزایش تبادلات تجاری ایران در سطح منطقه و جهان است. در این راستا سؤال اصلی نوشتار این است که ایجاد رژیم بین‌المللی چابهار چه تأثیراتی بر ترتیبات تجاری و امنیتی جمهوری اسلامی ایران دارد؟ فرضیه اصلی مقاله عبارت است از اینکه رژیم بین‌المللی چابهار با برخورداری از موقعیت ژئواستراتژیک ویژه و ظرفیت بالای تجاری در منطقه می‌تواند باعث افزایش تبادلات تجاری و بهبود امنیتی جمهوری اسلامی ایران در جهان گردد. همچنین جمهوری اسلامی ایران می‌تواند به‌عنوان بازیگر اصلی در ترتیبات تجاری و امنیتی پروژه چابهار نقش اساسی را به‌گونه‌ای ایفا نماید که منجر به افزایش ثبات امنیتی و شکوفایی اقتصادی در سطح ملی و منطقه‌ای گردد. بر این اساس، روش تحقیق مورد استفاده در این نوشتار، تبیینی-تحلیلی بوده و از مطالعات کتابخانه‌ای و آماری برای تحلیل داده‌ها استفاده شده است. با توجه به موضوع این نوشتار، استفاده از نظریه رژیم‌های بین‌المللی می‌تواند ما را در دو بعد ویژگی‌ها و ظرفیت‌های چابهار برای تبدیل به رژیم بین‌المللی از یک‌سو و نقش‌آفرینی این رژیم بر ترتیبات تجاری و امنیتی ایران کمک کند. نتیجه این نوشتار آن است که رژیم بین‌المللی چابهار از طریق دیپلماسی اقتصادی و حل و فصل تعارضات با کشورهای تأثیرگذار جهانی، می‌تواند محیط پیرامونی ایران را باثبات‌تر کند تا زمینه جذب سرمایه، همکاری اقتصادی و تجارت کالا و خدمات فراهم شود.

کلیدواژه‌ها: رژیم بین‌المللی چابهار، ترتیبات تجاری، ترتیبات امنیتی، جمهوری اسلامی ایران.

مقدمه و بیان مسئله

چابهار به‌عنوان تنها بندر بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، از جهات سیاسی و اقتصادی دارای اهمیت فراوان است. برخورداری از سواحل بکر مکران، کشاورزی در فصول مختلف و همسایگی با کشور پاکستان بر اهمیت این شهر بندری افزوده است. تأکید بر استفاده از ظرفیت‌های بالقوه چابهار و سواحل مکران به‌طور خاص همواره مورد توجه مسئولان جمهوری اسلامی ایران بوده است. رهبر معظم انقلاب از سواحل مکران به‌عنوان گنج پنهان یاد کرده‌اند و طی دو دهه اخیر بارها بر ضرورت برنامه‌ریزی و توسعه این ظرفیت عظیم ملی تأکید داشته‌اند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۴). از سوی مسئولان کشور نیز برخی تفاهم‌نامه با کشورهای مختلف از قبیل هند و روسیه صورت گرفته است. یکی از طرح‌های مطرح جهت رشد و شکوفایی سواحل مکران اتصال کریدور بین‌المللی شمال-جنوب می‌باشد که از زمان طرح آن بیش از ۶۰ سال می‌گذرد. از طرفی افزایش تجارت دریایی در سال‌های اخیر بر اهمیت بهره‌برداری بیشتر از بندر چابهار در سطح ملی و بین‌المللی افزوده است. در این زمینه معاهده‌ای بین جمهوری اسلامی ایران و هند صورت گرفته است. معاهده چابهار یک

تصمیم استراتژیک بسیار مهم است که به هند کمک می کند تا مسیر ترانزیت را به افغانستان و به منطقه آسیای مرکزی و فراتر از آن منتقل کند. با عضویت هند در سازمان شانگهای، بندر چابهار فرصتی برای افزایش مراودات و همکاری این کشورها در قالب سازمان شانگهای نیز تلقی می شود. طبق برآورد اقتصاددانان، کشورهای جنوب آسیا در دهه آینده مرکز جهانی جدید رشد اقتصادی هستند که بندر چابهار می تواند نقطه اتصال آن ها به ترکیه، کشورهای غرب آسیا و افغانستان باشد (foreignpolicy.com, 2016). همچنین با عضویت ایران در اتحادیه اقتصادی اوراسیا، فرصتی برای استفاده از ظرفیت های کشور و به طور خاص بندر چابهار ایجاد شده است.

شکل ۱. ظرفیت بندر چابهار پس از پیوستن ایران به اتحادیه اقتصادی اوراسیا (منبع: ایرنا، تأکید از محقق)



از مهم ترین اهداف اتحادیه اقتصادی اوراسیا می توان به تسهیل تجارت، ایجاد بازار مشترک در حوزه کشورهای مستقل هم سود عضو، حذف تدریجی قوانین گمرکی در داخل اتحادیه، برقراری تعرفه خارجی مشترک در میان کشورهای عضو و هماهنگ سازی تشریفات گمرکی اشاره کرد (ایرنا، ۲۰۱۹). در همین راستا، ترکمنستان به عنوان یک پل بین ایران و اعضای اتحادیه اقتصادی اوراسیا نقشی اساسی در اتصال بندر چابهار به کشورهای عضو ایفا می کند. از سوی دیگر، ایران به عنوان یک قدرت مهم در منطقه غرب آسیا برای تقویت نقش خود در معادلات منطقه ای و جهانی نیاز به گسترش تبادلات و همکاری های منطقه ای و ایجاد ائتلاف ها با اتخاذ سیاست خارجی تعاملی به ویژه در روابط با کشورهای همسایه در مقابل فشارهای یک جانبه آمریکا را دارد؛ بدیهی است که راه تحقق اهداف سند چشم انداز ۱۴۰۴،

خودانزوایی و قرار گرفتن در فضای تقابل و تشدید تنش با نظام بین‌الملل و کشورهای منطقه نیست. «وسعت سرزمین کشور ما و همسایگی با آب‌های بین‌المللی آزاد، از فرصت‌های این کشور است؛ ما از این‌ها به‌طور کامل استفاده نمی‌کنیم؛ یکی از دو حاشیه‌ی خلیج‌فارس متعلق به ما است. بخش عمده‌ای از دریای عمان متعلق به ما است. همسایگان متعدّد؛ با پانزده کشور ما همسایه هستیم و این یک امکان و یک ظرفیت بسیار مهم برای کشور است. کشور ما از لحاظ جغرافیایی در جای حسّاسی قرار گرفته است؛ نقطه اتصال شرق و غرب و شمال و جنوب است و این از لحاظ جغرافیایی مهم است» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۷)؛ به عبارت دیگر، گسترش تعاملات با همسایگان، ضمن تثبیت نقش سیاسی - امنیتی ایران در تحولات منطقه، جایگاه استراتژیک ایران را در عرصه بین‌الملل افزایش می‌دهد. به همین جهت، توسعه روابط همه‌جانبه با همسایگان و ایجاد ائتلاف‌های منطقه‌ای از مهم‌ترین راهبردها و اولویت‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌رود که نقش مؤثری در بازدارندگی در برابر منابع بی‌ثباتی منطقه‌ای و مقابله با آثار تحریم‌ها خواهد داشت.

بنابراین، نوشتار پیش‌رو به دنبال تبیین امکان ایجاد رژیم بین‌المللی چابهار و تأثیرات آن بر ترتیبات تجاری و امنیتی جمهوری اسلامی ایران است. منظور از رژیم بین‌المللی ایجاد یک رژیم بین‌المللی در بعد اقتصادی به‌عنوان رژیم بین‌المللی چابهار می‌باشد. اهمیت این طرح و ایجاد رژیم بین‌المللی در چابهار از آن‌روست که علاوه بر توسعه بندر چابهار، کاهش هزینه‌ها و شکوفایی پتانسیل‌های بالقوه این بندر بین‌المللی با مشارکت سایر کشورها را در پی خواهد داشت. از سوی دیگر با ایجاد ائتلاف کشورهای ذی‌نفع در تشکیل رژیم بین‌المللی چابهار، جمهوری اسلامی ایران نقشی محوری بر ترتیبات تجاری و امنیتی منطقه خواهد داشت. در همین راستا سؤال اصلی این نوشتار آن است که ایجاد رژیم بین‌المللی چابهار چه تأثیراتی بر ترتیبات تجاری و امنیتی جمهوری اسلامی ایران دارد؟ فرضیه اصلی مقاله عبارت است از اینکه رژیم بین‌المللی چابهار با برخورداری از موقعیت ژئواستراتژیک ویژه و ظرفیت بالای تجاری در منطقه می‌تواند باعث افزایش تبادلات تجاری و بهبود امنیتی جمهوری اسلامی ایران در منطقه و جهان گردد. همچنین جمهوری اسلامی ایران می‌تواند به‌عنوان بازیگر اصلی در ترتیبات تجاری و امنیتی پروژه چابهار نقش اساسی را به‌گونه‌ای ایفا نماید که منجر به افزایش ثبات امنیتی و شکوفایی اقتصادی در سطح ملی و منطقه‌ای گردد. روش تحقیق مورد استفاده در این نوشتار، تبیینی - تحلیلی بوده و از مطالعات کتابخانه‌ای برای تحلیل داده‌ها استفاده شده است. با توجه به موضوع این نوشتار، استفاده از نظریه رژیم‌های بین‌المللی می‌تواند ما را در دو بعد ویژگی‌ها و ظرفیت‌های چابهار برای تبدیل به رژیم بین‌المللی از یک‌سو و نقش آفرینی این رژیم بر ترتیبات تجاری و امنیتی ایران، کمک کند. پرداختن به رژیم بین‌المللی، توانمندی‌های چابهار، تأثیر رژیم بین‌المللی چابهار بر ترتیبات تجاری و امنیتی ایران، نتیجه‌گیری و پیشنهادها از اجزای این نوشتار است که در ادامه بدان پرداخته می‌شود.

۱. پیشینه پژوهش

از جمله تحقیقات انجام‌شده در زمینه چابهار و توانمندی‌های چابهار می‌توان به مقاله خراسانی اشاره کرد؛ خراسانی در تحقیق خود با عنوان «تحلیل راهبردی سواحل جنوب شرق ایران باهدف ارتقای کیفیت زندگی ساحل نشینان» به این نتیجه رسید که توجه و برنامه‌ریزی برای توسعه منطقه چابهار کیفیت زندگی مردم را ارتقا می‌دهد. نکته‌ای که در این میان جلب توجه می‌کند، این است که این راهبردها عمدتاً دارای ابعاد اقتصادی هستند. مهم‌ترین عامل محرومیت مردم این منطقه، ضعف یا

فقدان توسعه اقتصادی می‌باشد و همین امر در تعیین استراتژی‌ها توسط متخصصین مورد توجه قرار گرفته است و نشانگر این موضوع است که برای ارتقای کیفیت زندگی مردم این منطقه، چاره‌ای جز توجه به توسعه اقتصادی روستاها و شهرهای ساحلی منطقه جنوب شرق کشور نداریم (خراسانی، ۱۳۹۱: ۷-۹).

پیرامون نظریه رژیم‌های بین‌المللی، در دهه ۹۰ میلادی اوران یانگ، مارک لوی و مایکل زیرن با انجام پژوهش‌هایی در صدد پاسخ به چگونگی تأثیر و اجرای توافقنامه‌های زیست‌محیطی بودند که از نظریه رژیم‌های بین‌المللی بهره بردند (Levy and et al., 1996: 267-320). در مقام عمل، رژیم‌های بین‌المللی دارای مصادیقی از جمله اجلاس سن پترزبورگ است. پرتوی و همکاران طی پژوهشی سابقه شکل‌گیری «رژیم‌های بین‌المللی منع کاربرد سلاح‌های کشتار جمعی» را در اجلاس پترزبورگ بررسی کردند که موفقیت‌هایی در زمینه همراه کردن سایر کشورها برای پیشگیری از ترویج سلاح‌های کشتار جمعی در سطح بین‌الملل داشته است (پرتوی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۱-۱۲).

در زمینه حقوقی به قدری نظریه رژیم‌های بین‌المللی اهمیت داشت که رژیم‌های حقوقی «کنوانسیون اروپایی حقوق بشر»، «اتحادیه اروپا» و «سازمان تجارت جهانی» شکل گرفته است. سویت و برونل با بررسی سه رژیم حقوقی مذکور به نتایجی از جمله افزایش مشروعیت دادگاه‌های قضایی مربوط به رژیم‌ها با فعالیت قضات، ایجاد اجماع بیشتر بین‌المللی و تأثیرگذاری دادگاه‌های قضایی بین‌المللی با داشتن صلاحیت اجباری رسیدند (Sweet and Brunell, 2013: 55).

هرچند در سطح ملی درباره رژیم‌سازی بین‌المللی در چابهار پژوهشی انجام نگردیده اما برخی تحقیقات درباره انواعی از رژیم‌سازی در کشور طی سال‌های اخیر انجام شده است. ایجاد رژیم حقوقی دریای خزر یکی از مصادیق رژیم‌سازی بین‌المللی است که به دنبال فروپاشی شوروی و ایجاد کشورهای جدید محقق گردید. براین اساس، اولین گام همکاری کشورهای حاشیه دریای خزر، طی اجلاس سال ۱۳۷۱ انجام شد. بر اساس بیانیه پایانی این نشست، کمیته‌ای پنج‌گانه تشکیل گردید که کمیته اول آن ایجاد رژیم حقوقی دریای خزر بود. این رژیم بین‌المللی در ادامه با فرازوفرودهایی همراه بود و دستاوردهای مهمی از جمله ایجاد «کنوانسیون حفاظت از محیط‌زیست دریایی دریای خزر» را برای کشورهای عضو به همراه داشته است (دمیرچی لو، ۱۳۸۷: ۲۶-۳۱). حال این نوشتار با در نظر گرفتن پژوهش‌های انجام‌شده، به دنبال تبیین امکان ایجاد رژیم بین‌المللی چابهار و تأثیرات آن بر ترتیبات تجاری و امنیتی جمهوری اسلامی ایران است.

۲. مبانی نظری

۲-۱. رژیم‌های بین‌المللی و انواع آن

رژیم‌های بین‌المللی، ادامه بحث نهادگرایی لیبرال و نولیبیرال است که ریشه در همگرایی، وابستگی متقابل و کارکردگرایی است. هر رژیم بین‌المللی حاوی عناصری خاص است که کارکردهای ویژه‌ای دارد. یکی از این عناصر هنجار است. یک رژیم با ایجاد مفهوم و آگاهی‌سازی در مورد یک موضوع خاص شکل می‌گیرد. فرایند شکل‌گیری به صورت چانه‌زنی و اعمال قدرت در قالب تشویق و تنبیه به وجود می‌آید. در این فرایند مفهوم به «هنجار» تبدیل شده که هنجار جزئی از یک رژیم بین‌المللی را تشکیل می‌دهد که در رابطه با رفتار بازیگران است. بعد دیگر رژیم‌ها «قواعد» است؛ قواعدی که نه تنها مربوط به پیشگیری و الزام‌های مرتبط با اعمال و رفتار در داخل یک رژیم است بلکه چگونگی اجرای اصول و قواعد را نیز

مشخص می‌کند و ساختار کلی و رسمی را برای ایجاد عملکردهای یک رویه به وجود می‌آورد. سیستم نظارتی نیز یکی از اجزای یک رژیم بین‌المللی محسوب می‌شود؛ در واقع، یکی از مهم‌ترین اجزای رژیم که به دنبال آن موضوع ضمانت اجرا مطرح می‌شود، سیستم نظارتی است. رژیم‌ها در شرایطی سرشار از منازعه و همکاری در عرصه روابط بین‌الملل به وجود می‌آیند و یکی از مکانیسم‌های تحقق همکاری محسوب می‌شوند (Salmon, 2008: 121).

تعاریف متفاوتی از سوی اندیشمندان از جمله کوهن، نای، هالستی و... برای رژیم بین‌المللی مطرح شده است که می‌توان در تقسیم‌بندی کلی به تعاریف بسیط، مضیق و میانه تقسیم کرد. پوچالا و هاپکینز در تعریف بسیط، رژیم‌ها را شامل اصول، قواعد، رویه و هنجارهایی می‌دانند که در تمام موضوعات روابط بین‌الملل وجود دارد (Puchala and Hopkin's, 1982: 250). یانگ در تعریف محدود، رژیم‌ها را مترادف با «نهاد اجتماعی» و قراردادهای چندجانبه بین کشورها برای کنترل و نظم در روابط بین‌آنها در موضوعی مشخص می‌داند (Young, 2009: 93). در ادامه نوشتار، ملاک پرداختن به نظریه رژیم‌ها اتکا به تعریف کراسنر به عنوان تعریفی میانه از رژیم‌ها است؛ یعنی رژیم‌ها مجموعه‌ای از اصول، قواعد، رویه و هنجارهای صریح یا تلویحی هستند که نزدیک کننده گرایش‌های بازیگران در حوزه مفروضی از روابط بین‌الملل می‌باشند. در این تعریف منظور از اصول، باور درباره واقعیت، علیت و عمل صحیح می‌باشد و هنجارها معیار کلی رفتارها بوده که بر اساس حقوق و تکالیف بیان می‌شوند. قواعد دربردارنده تجویز یا تحریم‌های عملی مشخص و رویه‌ها مشتمل بر روش‌های رایج برای اتخاذ یا انتخاب‌های دسته‌جمعی هستند (Krasner, 1982: 186-188). از تمایزات مهم مفهوم «رژیم» با مفاهیم مشابه می‌توان به عام‌تر بودن نهادهای بین‌المللی نسبت به رژیم‌ها اشاره کرد؛ به طوری که هر رژیم یک نهاد محسوب می‌شود اما هر نهاد یک رژیم نیست (Keohane, 1989: 3-4).

حوزه و دامنه رژیم‌های بین‌المللی شامل روابط دوجانبه تا روابط همه‌جانبه در سطح بین‌المللی می‌شود و هر کدام از این رژیم‌ها در صدد تنظیم بخشی از روابط بین‌المللی و رفتار کشورها هستند. با در نظر گرفتن «الگوی رفتاری» برای رژیم‌ها می‌توان به وجود متغیرهای مستقل و وابسته تحت تأثیر رژیم‌های تشکیل‌شونده پرداخت. رژیم‌ها دارای مصادیق و انواع مختلف می‌باشند که به طور خاص می‌توان به رژیم زیست‌محیطی، رژیم اقتصادی، رژیم دریاها، رژیم نفت، رژیم پولی، رژیم امنیت، رژیم فضایی، رژیم هوانوردی، رژیم عدم تکثیر تسلیحات هسته‌ای، رژیم حقوق بشر و رژیم منابع طبیعی اشاره کرد. در یک تقسیم‌بندی عام می‌توان رژیم‌ها را به رسمی یا غیررسمی، تحمیلی یا خودجوش، دو یا چندجانبه، امنیتی یا غیرامنیتی و تبعیض‌آمیز و بی‌طرف تقسیم کرد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۳: ۱۸۳-۱۹۶). البته رسیدن به اهداف رژیم‌ها منوط به حمایت و تکامل آنها نسبت به اهداف ابتدایی آن رژیم‌ها به عنوان یک سیستم است (Ruggie, 1982: 379). همچنین اگر فعالیت‌های تحت رژیم‌ها هم‌پوشانی داشته باشند یا به اقتصاد وارد شوند احتمال هماهنگی همراه با اثربخشی بالا می‌رود (Brown Weiss, 1993: 697). لذا تعیین اهداف اولیه و در نظر داشتن اهداف متناسب با نیاز امری اساسی در ایجاد و تداوم رژیم‌ها تلقی می‌شود. در همین راستا، داشتن چشم‌انداز بلندمدت و انعطاف‌پذیری جهت اعمال تغییرات متناسب با کنش بازیگران بین‌المللی ضرورت دارد. در ادامه این روند وجود هم‌پوشانی و ورود رژیم‌های بین‌المللی در عرصه اقتصاد جهت بالا بردن اثربخشی رژیم‌ها از اقدامات مهم است. مهم‌ترین نقش رژیم‌های بین‌المللی در ایجاد همکاری میان دولت‌هاست.

یعنی رژیم‌ها به‌عنوان یک ابزار، همکاری را میان دولت‌ها تسهیل می‌کنند؛ رژیم‌ها باعث تقسیم هزینه‌ها میان دولت‌ها می‌شوند؛ رژیم‌ها دیپلماسی را تسهیل کرده و ایجاد نظم می‌کنند. اصول، قواعد و نهادها بین مسائل مختلف ارتباط ایجاد نموده و انگیزه ایجاد موافقت‌نامه را می‌دهند. درواقع، وضعیتی ایجاد می‌شود که دولت‌ها منافع مشترک و متضاد خواهند داشت و این وضعیت بیشتر پیرامون مسائل اقتصادی به وجود می‌آید (Keohane and Nye, 1977: 12).

در همین راستا، دلایل تشکیل رژیم‌های بین‌المللی را می‌توان منافع ملی، قدرت و توزیع آن، دانش و شناخت مشترک، اجماع ارزشی و ایدئولوژیک و عرف بین‌المللی دانست (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۳: ۱۶۸-۱۷۳) که در تشریح شکل‌گیری چابهار به‌عنوان یک رژیم بین‌المللی، موارد مذکور موردبررسی قرار گرفته است. در پرداختن به مؤلفه‌های ایجاد رژیم بین‌المللی چابهار، منافع ملی به‌عنوان مؤلفه اصلی و عوامل قدرت و توزیع آن، دانش و شناخت مشترک، اجماع ارزشی و ایدئولوژیک و عرف بین‌المللی، به‌عنوان مؤلفه‌های مکمل توسط نگارندگان موردبررسی قرار می‌گیرند.

۲-۲. رژیم بین‌المللی چابهار

به‌طور کلی ژئوپلیتیک ایران با انزوگرایی سازگار نیست و نوعی سیاست خارجی برون‌گرا و فعال را به سیاست‌گذاران توصیه می‌کند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۹۴)، در همین راستا نقش بندر بین‌المللی چابهار در ارتباط با سایر کشورها دارای اهمیت است و باید به‌دقت بررسی شود.

شهرستان چابهار در منتهی‌الیه جنوب شرقی ایران در کنار آب‌های گرم عمان واقع شده است. از شمال به شهرستان‌های ایرانشهر و نیک‌شهر و از جنوب به دریای عمان از شرق به پاکستان و از غرب به استان‌های کرمان و هرمزگان محدود می‌شود. مساحت شهرستان چابهار حدود ۹۷۳۹ کیلومتر مربع، ارتفاع این شهرستان از سطح دریا ۷ متر و دارای ۱۳۰ کیلومتر مرز خاکی و حدود ۱۱۵ کیلومتر مرز آبی در دریای عمان می‌باشد. جمعیت شهرستان چابهار ۲۹۱۹۱۰ نفر و دارای ۲ شهر چابهار و شهر ننگور و ۳ بخش شامل بخش‌های دشتیاری، پلان، بخش مرکزی، و هشت دهستان می‌باشد (ایرنا، ۱۳۹۸). بندر شهرستان چابهار آسان‌ترین و راهبردی‌ترین راه دسترسی به آب‌های آزاد برای شش کشور محاط در خشکی در آسیای مرکزی است. بندر چابهار به دلیل موقعیت راهبردی که نزدیک‌ترین راه دسترسی کشورهای محصور در خشکی آسیای مرکزی، افغانستان، ترکمنستان، ازبکستان، تاجیکستان، قرقیزستان و قزاقستان به آب‌های آزاد از اهمیت فراوانی برخوردار بوده و مهم‌ترین بندر ایران در دریای عمان محسوب می‌شود (محمودزهی، ۱۳۸۷: ۴۶۰)؛ بنابراین ظرفیت‌های اقتصادی چابهار از یک سو و نیاز کشورهای آسیای مرکزی به تجارت دریایی در کنار اشتراکات سیاسی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با کشورهای این منطقه می‌تواند منجر به ایجاد رژیم اقتصادی منطقه‌ای گردد. ایجاد رژیم بین‌المللی می‌تواند به‌صورت باز و با امکان عضویت سایر کشورهای جهان و یا به‌صورت بسته و امکان عضویت تعداد محدودی از کشورها محقق شود.

۳. یافته‌های پژوهش

با توجه به ابعاد وسیع و انواع مختلف رژیم‌های بین‌المللی، در نوشتار پیش‌رو هدف نگارندگان پرداختن به رژیم بین‌المللی چابهار در بُعد رژیم اقتصادی است. چابهار با وجود ظرفیت‌های عظیم اقتصادی در زمینه‌های گردشگری، دریایی، کشاورزی

و صنعت استعدادی فراگیر برای شکل‌دهی رژیم بین‌المللی اقتصادی را داراست. یکی از مصادیق عینی ظرفیت‌های بالقوه چابهار، کریدور تجاری با کشور افغانستان در سال‌های اخیر است که در این نوشتار به قابلیت این طرح به‌عنوان یکی از دلایل ایجاد رژیم بین‌المللی چابهار پرداخته شده است. بالطبع ایجاد و شکل‌گیری رژیم‌های بین‌المللی در یک زمینه بر سایر زمینه‌ها از جمله امنیت و تبادلات تجاری قابل تسری و اثربخشی می‌باشد. با توجه به ماهیت اقتصادی رژیم بین‌المللی چابهار، غلبه واقع‌گرایی به‌عنوان یک پارادایم در روابط بین‌الملل و در نظر گرفتن «منافع ملی» به‌عنوان چراغ‌راهنما در عرصه روابط بین‌الملل، این پژوهش با استفاده از روش تحلیلی-تبیینی مبتنی بر نظریه رژیم‌های بین‌المللی در ادامه به نقش منافع ملی برخی کشورهای منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای در رژیم بین‌المللی چابهار پرداخته است.

۳-۱. منافع ملی

منافع ملی را می‌توان به‌عنوان چراغ‌راهنما در عرصه سیاست خارجی دانست. ایجاد و اتصال شمال و جنوب ایران همواره برای کشورهای منطقه و جهان دارای اهمیت بوده است. از سوی دیگر به استناد برنامه‌های کلان جمهوری اسلامی ایران، محوریت اقتصاد و منافع ملی در این زمینه دارای اهمیت است. به همین منظور، دیپلماسی اقتصادی که به معنای اهمیت یافتن مناسبات اقتصادی در روابط خارجی و باهدف بهره‌گیری از فرصت‌ها و امکانات اقتصادی در صحنه بین‌المللی برای کمک به تحقق اهداف اقتصادی کشورها می‌باشد؛ یکی از مهم‌ترین ابزارهای نظام اقتصادی در تحقق اهداف اقتصاد ملی است. در ادامه به منافع برخی از مهم‌ترین کشورها از ایجاد رژیم بین‌المللی چابهار و ضرورت یک دیپلماسی اقتصادی فعال با این ذی‌نفع‌ها توجه می‌شود.

هند: در شهریورماه ۱۳۳۳، زمانی که موافقت‌نامه کریدور شمال و جنوب در سن پترزبورگ میان وزرای حمل‌ونقل سه کشور ایران، هند و روسیه به امضا رسید، چابهار به‌عنوان بندری استراتژیک در این کریدور معرفی شد و راه‌های زمینی اتصال آن به مرز ترکمنستان، کوتاه‌ترین مسیر حمل‌ونقل زمینی کوالا در کریدور شرق و شاهره تغذیه کشورهای آسیای مرکزی معرفی گردید. بندر چابهار برای هند به‌عنوان خروجی اقیانوس هند در کریدور ترانزیتی بزرگ بین‌المللی شمال-جنوب است و دسترسی دهلی‌نو به آسیای مرکزی، روسیه و درنهایت بازارهای اروپایی را فراهم خواهد کرد و سبب خواهد شد تا هند برای تجارت با کشورهای آسیای مرکزی، دیگر نیازی به حمل کالاهای خود از طریق خاک پاکستان نداشته باشد (رحمانی و حسینی، ۱۳۹۱: ۱۹۷). در واقع، بندر چابهار به هند، به‌عنوان چهارمین مصرف‌کننده انرژی جهان، اجازه می‌دهد تا به ذخایر نفت خام ایران با بیش از ۱۵۰ میلیارد بشکه و ۱۸۷،۱ تریلیون فوت مکعب گاز ذخیره کرده و به منابع انرژی اضافی در آسیای مرکزی، از جمله کشورهای قزاقستان و ترکمنستان دسترسی پیدا کند (foreignpolicy.com, 2016). اهداف اصلی هند از حضور و سرمایه‌گذاری در ایران می‌توان به ترتیب: رفع نیازهای داخلی خود، رقابت با چین، گسترش حضور در آسیای مرکزی و تسریع در روند تبدیل به نیروی دریایی راهبردی دانست (اعظمی و همکاران، ۱۳۹۵: ۴).

کشورهای آسیای مرکزی: بندر چابهار به دلیل موقعیت راهبردی خود نزدیک‌ترین راه دسترسی کشورهای آسیای مرکزی (ترکمنستان، ازبکستان، تاجیکستان، قرقیزستان و قزاقستان) به آب‌های آزاد است و از اهمیت فراوانی برخوردار است. در این

راستا، اگر نگاهی به مواضع این کشورها در سال‌های گذشته نسبت به بهره‌گیری از بندر چابهار به توان پایلوت فعالیت‌های تجاری و بازرگانی با کشورهای هم‌جوار داشته باشیم باید گفت که در واقع، نگاه به چابهار در حالی است که کشورهای این منطقه در حال کاهش وابستگی اقتصادی خود به روسیه هستند و در راستای برنامه‌های رشد اقتصادی و افزایش روابط با خاور دور، خاورمیانه و آفریقا؛ به بندر چابهار به‌عنوان ارزان‌ترین، امن‌ترین و نزدیک‌ترین راه مبادلات بازرگانی نگاه می‌کنند. در این بین نگاه جدی ترکمنستان و قزاقستان به راه‌اندازی خط آهن ایران، ترکمنستان و قزاقستان در این راستا مورد تحلیل قرار می‌گیرد. علاوه بر این، کشورهایی همانند تاجیکستان و قرقیزستان با توجه به دامنه مشکلات سیاسی و امنیتی خود با ازبکستان تلاش می‌کنند تا زمینه‌های بهره‌گیری بهتر و بیشتری را از بندر چابهار در روابط بازرگانی خود به عمل آورند. چنانچه تاجیکستان در سال‌های گذشته نیز تلاش کرده است تا با توجه به موقعیت راه‌های ایران و افغانستان ناگزیر نباشد کالاها و مسافران را از خاک ازبکستان عبور دهد. در این بین ازبکستان هرچند چندان روابط سیاسی مناسبی با ایران در سال‌های اخیر نداشته است، اما با نگاهی اقتصادی به چابهار می‌نگرد (رمضانی بونش، ۱۳۹۱: ۱). نکته قابل توجه، تأمین منافع کلید کشورهای دارای تجارت با کشورهای آسیای مرکزی و عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا از طریق بندر چابهار است. این مهم با اتصال کشورهای آسیای مرکزی و اعضای اتحادیه اوراسیا به بندر چابهار از طریق ایران و استفاده از تجارت دریایی محقق خواهد شد.

پاکستان: از دلایل دیگر دربرگرفتن منافع کشورهای منطقه با تجارت به واسطه بندر چابهار می‌توان به موقعیت کشور پاکستان اشاره کرد. کشور پاکستان دارای مشکلاتی چون عدم وجود زیرساخت‌های حمل‌ونقلی، ظرفیت صنعتی و تجاری، مشکل در ساختار اجتماعی خود و ناامنی در جنوب افغانستان است؛ اما اصلی‌ترین و مهم‌ترین مشکل موجود برای هر دو کشور چین و پاکستان، بودن بندر گوادر در استان بلوچستان پاکستان است؛ چراکه این منطقه به دلیل درگیری‌های قومی و طایفه‌ای، عقاید جدایی‌طلبانه مردم بلوچستان، این تفکر که از پیشرفت بندر گوادر اتفاق مثبتی برای مردم نخواهد افتاد و وجود گروهک‌های تروریستی چون القاعده و طالبان، همیشه صحنه درگیری مردم این منطقه با دولت مرکزی بوده است (Priego, 2008: 58).

چین: طی سال‌های اخیر برخی اختلافات میان چین و پاکستان رخ داده است. بالاگرفتن این اختلافات ممکن است باعث کاهش انگیزه طرف چینی از ساخت و ادامه کار در بندر گوادر شود. وجود مواد مخدر و ترانزیت آن از کشور افغانستان به پاکستان (طبق آمارهای موجود ۳۳ درصد از هروئین قاچاق افغانستان به پاکستان از طریق بنادری چون گوادر به سایر نقاط جهان ترانزیت می‌شود)، از دیگر مشکلات پیش‌روی بندر گوادر و دولت چین می‌باشد (Ziad, 2005: 102). از منظر چین، طرح جاده ابریشم جدید با دو گونه خشکی و دریایی مطرح است که طرح جاده ابریشم دریایی، بر آن است تا دریای جنوبی چین را به دریای مدیترانه متصل نماید (Vander Putten & Meijnders, 2015: 8). در اینجا نیز اهمیت بندر چابهار برای چین به‌عنوان بزرگ‌ترین قدرت نوظهور در عرصه جهانی مطرح می‌شود.

ژاپن: علاقه‌مندی ژاپن برای سهم گرفتن در بندر چابهار نه تنها ضرورت و منافع توکیو را در جنوب آسیا تقویت می‌کند بلکه این کشور می‌خواهد که یک نقشه راه جدید مستقل را در این منطقه برای خود ترسیم کند. سیاستمداران ژاپنی بر نقش بیشتر

ژئوپولیتیک توکیو در کشورهای جنوب آسیا و تقویت حضور این کشور در آسیای مرکزی تأکید دارند و همکاری بین دهلی نو و توکیو در بندر چابهار می‌تواند قابلیت اقتصادی بندر چابهار را تقویت کند (وال استریت ژورنال، ۲۰۱۶). هدف دیگر ژاپن از ورود به ایران و سرمایه‌گذاری، اهداف خاصی است و یکی از این اهداف بندر چابهار است؛ زیرا این بندر واقع در جنوب شرقی‌ترین نقطه ایران بوده و جزئی از مناطق آزاد محسوب می‌شود و از طرفی دسترسی کاملی را به خطوط حمل و نقل دریایی از طریق اقیانوس هند را فراهم می‌آورد. ژاپن در رقابت با چین، ابزار بسیار نیرومند پشتوانه‌های مالی را نیز برای افزایش نفوذ خود در رژیم بین‌المللی چابهار در اختیار دارد (Masaki, 2006).

روسیه: از منظر روسیه، اگرچه ایران رقیبی دیرینه برای نفوذ منطقه‌ای روسیه است، اما شریکی راهبردی برای مقابله با نفوذ فزاینده قدرت‌های فرمانطقه‌ای خصوصاً آمریکا تلقی می‌گردد (German, 2014: 2-4) که در همین راستا ایجاد پروژه بین‌المللی شمال-جنوب اهمیت زیادی پیدا می‌کند. تحقق رؤیای روسیه برای دستیابی به آب‌های گرم خلیج فارس، همچنان که در طول قرن‌های گذشته روس‌ها این رؤیا را در سر می‌پروراندند. حتی گفته می‌شود «پطر کبیر» تزار روسیه نیز در وصیت‌نامه خود به دستیابی روس‌ها به آب‌های گرم اشاره کرده است. این رؤیا به دلیل کاهش وابستگی روسیه به تنگه‌های «بسفِر» و «داردافل» ترکیه و کانال‌های «پاناما» و «سوئز» است که تحت نفوذ آمریکا قرار دارند. به همین دلیل ارتباط آبراه «خزر به خلیج فارس» می‌تواند تمامی نیازهای سیاسی روسیه را یکجا پاسخگو باشد.

افغانستان: افغانستان یکی از کشورهای محصور در خشکی است که برای راه یافتن به آب‌های آزاد به ایران یا پاکستان محتاج است. با وجود روابط پر تنش با پاکستان و البته در کنار ناامنی‌های گسترده در این مسیر، ایران و به ویژه چابهار بهترین و نزدیک‌ترین مسیر دسترسی افغانستان به آب‌های آزاد جهان است. در همین راستا، سه کشور ایران، هند و افغانستان در خردادماه ۱۳۳۱ توافق‌نامه ترانزیتی چابهار را در تهران و در حضور سران سه کشور به امضا رساندند. این توافق سه‌جانبه، امکان ارتباط میان کشورهای منطقه را به وجود آورده و از چین تا آسیای مرکزی را به هم اتصال می‌دهد. همچنین ترانزیت کالاهای افغانستان که عمدتاً مواد معدنی است به سایر کشورهای مصرف‌کننده مانند هند، چین و غیره است که از مسیر ریلی ایران و بندر چابهار محقق خواهد شد. خط ارتباطی ریلی از چابهار تا مرز افغانستان توسط هند از مرز تا نواحی مرکزی افغانستان - در سال ۲۰۱۰ به اتمام رسید. همه موارد مذکور بیانگر اهمیت ایجاد رژیم بین‌المللی چابهار و استفاده از ظرفیت‌های ممتاز بندر چابهار و تأثیرات آن بر طرف‌های ذی‌نفع است. از دیگر دلایل اهمیت بندر چابهار نسبت به سایر نقاط از جمله بندرعباس و بوشهر داشتن امکان تردد کشتی‌های مدرن نسل ۶ و ۷ به این بندر است. در حال حاضر به دلیل عمق کم آب در خلیج فارس امکان تردد کشتی‌های نسل ۶ و ۷ در این بنادر امکان‌پذیر نیست. درحالی‌که بندر چابهار امکان پهلوگیری کشتی‌های نسل ۶ و ۷ را فراهم کرده است.

در کنار موارد ذکر شده به‌عنوان منافع ملی کشورهای مختلف از حضور اقتصادی در بندر چابهار می‌توان به دلایلی دیگر در راستای تشکیل رژیم بین‌المللی چابهار و تأثیر آن بر مبادلات تجاری ایران از جمله اجماع ایدئولوژیک و ارزشی، همراهی ساختار نظام بین‌المللی و نحوه توزیع قدرت در نظام بین‌الملل است که در ادامه بدان پرداخته شده است. به اعتقاد

نگارندگان عوامل مذکور هم‌راستا و پوشش‌دهنده منافع ملی در راستای تشکیل رژیم بین‌المللی محسوب می‌شوند.

۳-۱-۱. اجماع ارزشی و ایدئولوژیک: یکی از عناصر مشترکی که می‌تواند سرچشمه وحدت هویت فرهنگی و تمدن ایرانی باشد، دین است (کاسیرر، ۱۳۶۰: ۱۰۶). جمهوری اسلامی ایران از یک‌سو با کشورهای حاشیه خلیج فارس به واسطه دین اسلام و از سوی دیگر به واسطه تاریخ و همزیستی طولانی قبل از تجزیه با کشورهای از قبیل افغانستان، آذربایجان و برخی کشورهای آسیای مرکزی دارای اشتراک است. همچنین زبان بین ایران، افغانستان و تاجیکستان مشترک است که هویت فرهنگی را تسهیل می‌کند. زبان دیگر که بین ایران و افغانستان مشترک است، زبان پشتو است؛ پشتوزبان ایرانی است که مردم نوار شرقی کشور از آن استفاده می‌کنند. همچنین، اساطیر مشترک ایران و افغانستان در شعر، ادبیات، موسیقی، رسوم و اسطوره‌های مشترک ایرانیان و تاریخ نمود یافته است و توسعه بیشتر مفهوم اسطوره در داخل و از طریق جغرافیای انسانی ممکن بوده و به پیشبرد اهداف در سایر زمینه‌ها کمک می‌کند (Essebo, 2019: 1) که درباره استفاده از آن جهت بهره‌گیری برای اجماع ارزشی قابل استفاده است. دین مشترک مردم ایران، کشورهای منطقه و برخی دیگر از کشورهای جهان، اسلام است که همواره علمایی از جمله امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب همواره با اتکا به امت اسلامی در صدد وحدت و همدلی مردم بوده‌اند. تکیه بر این عنصر که پیروان فراوان در سراسر جهان دارد از عوامل مهم ایجاد اجماع ارزشی و ایدئولوژیک در راستای رژیم بین‌المللی چابهار و بهره‌برداری مناسب، محسوب می‌شود. عامل مهم دیگر در وجود ارزش‌های مشترک بین کشورهای منطقه سابقه تاریخی زندگی مسالمت‌آمیز است، به طوری که روابط سیاسی و اقتصادی ایران با کشورهای منطقه طی چند قرن شکل گرفته است و خود این عامل از عوامل گرایش به سوی اجماع جهت دستیابی به منافع مشترک محسوب می‌شود.

۳-۱-۲. دانش و شناخت مشترک: کشورها پیش از آنکه دست به تشکیل یک رژیم بین‌المللی مشترک بزنند، باید به شناخت و درک مشترکی از موضوع ذی‌ربط و وابستگی متقابل آن با سایر حوزه‌ها بر مبنای دانش موجود در مورد آن برسند. دانش شامل «دانش سیاسی»^۱ به معنای ارزش‌ها و ارجحیت‌ها در مورد آنچه باید انجام شود و «دانش عملی» تأیید شده به وسیله ادعاهای اعتبار و صحت هر دو کشور است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۳: ۱۷۰-۱۷۱). جهت وجود دانش سیاسی و تأیید آن به وسیله کشورهای ذی‌نفع در ادعاهای خود می‌توان به همکاری ایران، هند و افغانستان با محوریت بندر چابهار اشاره کرد. یکی از برنامه‌های راهبردی هندوستان طی سالیان اخیر سرمایه‌گذاری اقتصادی در افغانستان جهت تأثیرگذاری در معادلات امنیتی منطقه و کسب سود از طریق بندر چابهار بوده است.

۳-۱-۳. قدرت و توزیع آن: عامل تعیین‌کننده مهم به‌ویژه از رهیافت ساختاری رژیم‌ها و نواقعی‌گرایی، قدرت و چگونگی توزیع آن در بین کشورهاست که ساختار نظام بین‌الملل بر پایه آن شکل می‌گیرد. از این‌رو، ظهور و تأسیس یک رژیم در حوزه موضوعی خاص در روابط بین‌الملل متضمن و مستلزم میزان مقتضی از قدرت در آن حوزه است. در واقع، رژیم‌های

بین‌المللی به‌عنوان نوعی ترتیبات نهادی، انعکاس صورت‌بندی و آرایش قدرت در نظام بین‌الملل و حوزه موضوعی ذی‌ربط است؛ بنابراین بازیگران برتر و مسلط نظام بین‌الملل به‌طور عام و در حوزه موضوعی خاص نقش اصلی و تعیین‌کننده در تشکیل رژیم بین‌المللی را ایفا می‌کنند. در این چهارچوب، حضور قدرت برتر یا هژمون ضروری است که مصداق آن حضور آمریکا در تأسیس رژیم بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و گات بوده است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۳: ۱۶۹-۱۷۰). شایان توجه اینکه، یکی از راه‌های رسیدن به موقعیت هژمونیک، گذر از سطح مناطق است؛ یعنی سلطه هژمونیک بر مناطق مختلف در نهایت به سلطه بر نظام بین‌الملل می‌انجامد. این نگرش به دیدگاه بری بوزان^۲ نزدیک است آنجا که در کتاب قدرت‌ها و مناطق می‌گوید سرانجام امنیت بین‌الملل از مجموع امنیت مناطق خواهد بود (بوزان، ۱۳۸۸: ۵۵).

توانمندی‌های بالقوه و بالفعل هند، توسعه بی‌سابقه مناسبات هند و آمریکا در سال‌های اخیر و مهم‌تر از همه اشتیاق زیاد هند برای ورود به آسیای مرکزی، عوامل زمینه‌ساز شکل‌گیری ائتلاف هند و آمریکا برای نفوذ به آسیای مرکزی هستند. از دیگر عوامل، کاهش قدرت آمریکا نسبت به گذشته است. جان مرشایمر^۳ نظریه پرداز واقع‌گرایی تهاجمی معتقد است که در شرایط کنونی فقط یک قدرت هژمون وجود دارد و آن هم ایالات متحده در نیم کره غربی می‌باشد (مرشایمر، ۱۳۸۸: ۴۶)، کاهش قدرت آمریکا و حرکت جهانی به سوی منطقه‌گرایی و تشکیل مناطق مختلف در زمینه‌های گوناگون از عوامل همراهی سایر کشورها با تشکیل رژیم بین‌المللی چابهار محسوب می‌شود، به طوری که آمریکا با وجود دشمنی تاریخی با جمهوری اسلامی ایران، با سرمایه‌گذاری و همکاری هند در بندر چابهار موافقت کرده است. در ادامه با وجود فشارهای آمریکا بر کشورهای جهان برای قطع مراودات نفتی با ایران، هند ضمن تثبیت حضور خود در چابهار طی مذاکراتی با واشنگتن توانست در ارتباط با تحریم‌های نفتی ایران معافیت کسب کند.

در ادامه فرایند منطقه‌گرایی دلایل موافقت آمریکا نیز مشخص می‌شود؛ در واقع، یکی از انگیزه‌های اصلی آمریکا ایجاد رقیب برای چین به‌عنوان قدرتی نوظهور جهت موازنه سازی می‌باشد. در همین راستا، بهترین گزینه جهت ایجاد رقابت با چین، کشور هند به‌عنوان متحدی همراه است، لذا در ساختار قدرت جهانی به‌طور غیرمستقیم شاهد همراهی آمریکا به‌عنوان قدرت برتر برای ایجاد رژیم بین‌المللی چابهار به‌منظور مقابله و کاهش قدرت چین می‌باشیم. از سوی دیگر، روسیه به‌عنوان یکی از قدرت‌های جهانی در کنار کشورهای آسیای مرکزی، ژاپن و اروپا از شکوفایی بندر چابهار بهره‌مند می‌شوند. مبنای شکل‌گیری رژیم بین‌المللی چابهار، اقتصادی بوده و منافاتی با ارزش‌ها و عرف بین‌المللی ندارد؛ تا جایی که یکی از عرف‌های مهم بین‌المللی یعنی صلح و همکاری را برای کسب منافع اقتصادی تداعی می‌نماید. از سوی دیگر، ترغیب کشورها به ورود در رژیم بین‌المللی چابهار و استفاده از منافع آن منجر به مشروعیت و الزام‌آوری بیشتر آن می‌شود.

با توجه به گونه‌شناسی رژیم‌ها و تقسیم آن‌ها در حیطه رسمی یا غیررسمی، تحمیلی یا خودجوش، دو یا چندجانبه، امنیتی یا غیر امنیتی و تبعیض آمیز و بی‌طرف (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۳: ۱۸۳-۱۹۶)؛ رژیم بین‌المللی چابهار را می‌توان از نوع غیررسمی (به دلیل نداشتن سازمان ثبت شده و انجام امور در قالب رسمی)، خودجوش (به دلیل حضور بدون اجبار کشورها از جمله هند و افغانستان)، چندجانبه (در پی مشارکت و تمایل کشورهای هند، روسیه، افغانستان)، غیر امنیتی (به دلیل

2. Barry Buzan

3. John Mearsheimer

محوریت قرار گرفتن اقتصاد در این رژیم) و غیر تبعیض آمیز دانست.

۲-۳. تأثیر رژیم بین‌المللی چابهار بر ترتیبات تجاری و امنیتی ایران

علاوه بر تمایل کشورهای اشاره شده در بخش دوم برای همکاری تجاری با ایران در محور بندر چابهار، شکل‌گیری رژیم بین‌المللی چابهار تأثیر به‌سزایی در تبادلات تجاری ایران و کشورهای آسیای مرکزی ایجاد خواهد کرد. در مدت بیش از دو دهه پس از استقلال جمهوری‌ها باید اذعان کرد که اقدامات و ابتکارات دیپلماتیک ایران در رابطه با کشورهای مذکور، ضمن رفع تردیدها و ابهامات در رابطه با اهداف واقعی ایران در منطقه، زمینه همکاری‌های عملی و سازنده بین ایران و همسایگان شمالی را فراهم ساخته است. علاوه بر این، رقابت با ترکیه بر سر افزایش نفوذ منطقه‌ای متوقف گردیده، نقش روسیه به‌عنوان ضامن امنیت و ثبات در منطقه به رسمیت شناخته شده و تلاش ایران برای احیای پیوندهای فرهنگی - تاریخی در منطقه به‌عنوان یک تهدید تلقی نشده است. بر همین اساس، در ادامه به تأثیر رژیم بین‌المللی چابهار بر ترتیبات تجاری و امنیتی جمهوری اسلامی ایران پرداخته شده است.

۱-۲-۳. ترتیبات تجاری: با بررسی روابط اقتصادی دوجانبه و طرح‌های متعدد راهبردی اقتصادی ایران در منطقه بایستی اذعان کرد که مجموعه اقدامات ایران به‌ویژه در زمینه توسعه روابط اقتصادی با آسیای مرکزی طی مدت بیش از دو دهه پس از استقلال کشورهای منطقه قابل توجه بوده است. به‌طوری‌که ایران در پاسخ به نیازهای انبوه جمهوری‌ها به‌خصوص در سال‌های اولیه پس از استقلال اقدامات گسترده‌ای را در زمینه تأمین نیازهای فوری (مثل سوخت، برق و کالاهای اساسی)، کمک به نوسازی و توسعه زیرساختارهای اقتصادی، توسعه راه‌های مواصلاتی و اتصال آن‌ها به خطوط شبکه حمل‌ونقل ریلی و جاده‌ای ایران و اعطای اعتبارات مالی انجام داده است. در واقع، اگرچه فعالیت‌های اقتصادی ایران در مقایسه با انتظارات اولیه طرفین، چشمگیر نبوده، اما از یک روند صعودی و روبه‌جلو تبعیت کرده است. در این رابطه، حجم مناسبات تجاری ایران با کشورهای منطقه در یک دوره ۲۵ ساله از حدود ۳۰۰ میلیون دلار در سال ۱۹۹۵ به ۴ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۵ و حدود ۳/۷ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۱ رسید که (به‌رغم سیر نزولی در سال‌های پایانی دولت دهم) بیانگر افزایشی ۱۳ برابری نسبت به سال‌های اول پس از فروپاشی شوروی می‌باشد. این رقم مجدداً در سال‌های پس از روی کار آمدن دولت یازدهم در وضعیت بهبود قرار گرفت و به ۵/۳ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۴ رسید. علاوه بر این، مشارکت ایران در احداث طرح‌های اقتصادی و عمرانی چون سد دوستی، خط آهن سرخس - تجن - مشهد و خط آهن ترانزیتی شرق دریای خزر از جمله مهم‌ترین تحرکات اقتصادی ایران در سطح منطقه آسیای مرکزی طی سال‌های اخیر به شمار می‌رود که نقش مهمی در تسهیل روند صادرات انرژی و کالا از کشورهای منطقه به بازارهای جهانی ایفا کرده است (دهقانی فیروزآبادی و پاک دامن جامی، ۱۳۹۵: ۴۹-۴۸).

وجه مهم دیگر روابط اقتصادی ایران و جمهوری‌های آسیای مرکزی طی دوران پس از استقلال آن‌ها، همکاری‌های منطقه‌ای در قالب سازمان همکاری اقتصادی (اگو^۴) و همکاری‌ها در حوزه خزر و سازمان همکاری شانگهای^۵ است. تجربه

اکو و تبیین دلایل شکل‌گیری رژیم بین‌المللی چابهار بیانگر بالا رفتن تبادلات تجاری بین جمهوری اسلامی ایران و کشورهای مشارکت‌کننده در این ساختار جدید خواهد بود. با توجه به حجم مبادلات ایران و کشورهای آسیای مرکزی که طی سال‌های اخیر بدان اشاره شد، نیاز طرفین به افزایش مبادلات تجاری از یک سو و قابلیت توسعه روابط اقتصادی از سوی دیگر، ایجاد رژیم بین‌المللی چابهار را به یک گزینه مناسب برای افزایش منافع تجاری کشورهای مذکور تبدیل کرده است. این امر در صورت تحقق و ایجاد شرایط وابستگی متقابل برای طرفین منتج به بالا رفتن امنیت برای کشورهای مذکور خواهد بود. از سوی دیگر بند ۱۲ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی - که به صورت مستقیم با سیاست خارجی کشور مرتبط است - بر افزایش قدرت مقاومت و کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد کشور از راه‌های زیر تأکید کرده است:

- توسعه پیوندهای راهبردی و گسترش همکاری و مشارکت با کشورهای منطقه و جهان، به ویژه همسایگان؛
 - استفاده از دیپلماسی در راستای حمایت از هدف‌های اقتصادی؛
 - استفاده از ظرفیت‌های سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای (سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، ۱۳۹۲).
- با استناد به موارد ذکر شده، ایجاد رژیم بین‌المللی چابهار گامی مهم در راستای برنامه‌های کلان جمهوری اسلامی ایران، افزایش تبادلات اقتصادی و در نتیجه کسب منافع ملی بیشتر در بستر اقتصاد با کشورهای جهان است.

۲-۲-۳. ترتیبات امنیتی: در زمینه تأثیرات امنیتی ایجاد رژیم بین‌المللی چابهار بر معادلات منطقه در ابتدا باید به همپوشانی و ارتباط نزدیک سیاست و اقتصاد در دوران معاصر توجه داشت. استفاده آمریکا از اهرم اقتصادی و تحریم علیه جمهوری اسلامی ایران، خسارات جبران‌ناپذیری را به بار آورده است و این اقدامات در حالی صورت می‌گیرد که ساختار تک قطبی پس از جنگ سرد باعث شد تا ایالات متحده با دست‌باز و با استفاده از ابزارهای یک‌جانبه و چندجانبه بکوشد برخورد با ایران را در دو جهت کلی یعنی تغییر رفتار ایران و دیگری در جهت تغییر نظام این کشور سوق دهد. نکته قابل توجه استفاده از استراتژی تحریم در تمام این چهار دهه توسط آمریکا برای مهار انقلاب اسلامی بوده است (عبدخدایی و رحیمی‌نژاد، ۱۳۹۷: ۱۸۰-۱۸۱). در همین راستا ایجاد رژیم بین‌المللی چابهار یک اهرم کمکی در راستای کاهش فشارهای اقتصادی آمریکا و افزایش همگرایی و امنیت بین کشورهای ذی‌نفع به شمار می‌آید.

از سوی دیگر منطقه غرب آسیا یکی از امنیتی‌ترین مناطق در سطح نظام بین‌المللی است. تهدیدهای امنیتی که در این منطقه از جهان وجود دارد ناشی از موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک کشورهای خاورمیانه است. بر اساس همین ویژگی‌هاست که توجه کشورهای جهان به خصوص قدرت‌های بزرگ به این منطقه حساس جلب شده است؛ بنابراین کشور ایران از نظر ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک در موقعیت ممتازی در این منطقه واقع شده است. همه این عوامل در کنار هم به گسترش تهدیدهای امنیتی در منطقه یاری می‌رسانند و آن را به یکی از بحرانی‌ترین مناطق جهان مبدل می‌کند (ارغوانی پیرسالمی و اسمعیلی، ۱۳۹۸: ۸۹). این وضعیت نیازمند دیپلماسی اقتصادی منطقه‌ای ایران و تلاش‌های جمعی دولت‌های منطقه برای تغییر شرایط است. در واقع، رژیم بین‌المللی چابهار از طریق دیپلماسی اقتصادی و حل و فصل تعارضات با کشورهای تأثیرگذار جهانی، می‌تواند محیط پیرامونی ایران را با ثبات‌تر کند تا زمینه جذب سرمایه، همکاری

اقتصادی، تجارت کالا و خدمات فراهم شود.

نتیجه گیری

طی سال‌های اخیر شاهد افزایش همگرایی و رشد رژیم‌ها در سطح جهان بوده‌ایم. رژیم بین‌المللی چابهار با تقویت وابستگی متقابل کشورهای ذی‌نفع، می‌تواند منافع بسیاری برای جمهوری اسلامی ایران دارا باشد. از جایی که شکل‌گیری رژیم‌های اقتصادی به‌مانند اتحاد فولاد و زغال‌سنگ بر رژیم‌های امنیتی مانند ناتو سابقه بیشتری دارد، می‌توان شاهد تسری رژیم بین‌المللی چابهار از حیطه اقتصادی به سایر حیطه‌ها از جمله امنیت و محیط‌زیست بود. طبق برآوردهای فوق‌الذکر، چابهار با دارا بودن سواحل مکران و بندر بین‌المللی، قابلیت تبدیل شدن به یک رژیم بین‌المللی را در حوزه اقتصاد داراست که دربردارنده منافع ملی و بین‌المللی برای کشورهای شرکت‌کننده در این رژیم می‌باشد. در زمینه منافع ملی رژیم بین‌المللی چابهار علاوه بر منافع جمهوری اسلامی ایران، دربردارنده منافع ملی برای قدرت‌های بزرگ به‌واسطه حضور در بازارهای اقتصادی بیشتر، هند، کشورهای آسیای مرکزی، ترکیه و کشورهای اروپایی است. در زمینه نرم‌افزاری نیز همراهی کشورهای اسلامی منطقه و تاریخ مشترک با برخی از آن‌ها از قبیل افغانستان، عرف بین‌المللی مشترک با تمامی کشورهای جهان، دانش و شناخت مشترک از رژیم بین‌المللی چابهار، عوامل تسریع‌کننده در این فرایند محسوب می‌شوند. ساختار قدرت و رقابت آمریکا با چین نیز توجیه‌کننده حضور قدرت‌های بزرگ در رژیم بین‌المللی چابهار و موافقت ضمنی آمریکا با توجه به کاهش نفوذ خود نسبت به پس از جنگ سرد می‌باشد.

از دیگر ظرفیت‌های عینی و ایجادشده این رژیم، اتصال ریلی مسیر بندر چابهار به افغانستان است که کشورهای آسیای مرکزی را جهت سرمایه‌گذاری دریایی ترغیب کرده است. جمهوری اسلامی ایران با ایجاد منافع مشترک کشورها و تأثیر مستقیم خود بر سیاست‌گذاری بندر چابهار به‌عنوان بخشی از سرزمین خود، دارای نقشی بی‌بدیل در مقایسه با سایر کشورها می‌باشد. اهمیت این طرح و ایجاد رژیم بین‌المللی در چابهار از آن‌روست که علاوه بر توسعه بندر چابهار، کاهش هزینه‌ها و شکوفایی پتانسیل‌های بالقوه این بندر بین‌المللی با مشارکت سایر کشورها همراه خواهد بود که منتج به تداوم و استمرار بهره‌برداری بیشتر از منافع ملی می‌شود؛ بنابراین، رژیم بین‌المللی چابهار از طریق توجه هرچه بیشتر به دیپلماسی اقتصادی با همسایگان با توجه به موقعیت جغرافیایی، ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی ایران می‌تواند بازدارنده بی‌ثباتی و ناامنی منطقه‌ای و در نتیجه، راهگشای اهداف استراتژیک و توسعه‌ای جمهوری اسلامی ایران باشد.

منابع

۱. آیت‌الله خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۴). بیانات در دیدار در دیدار فرماندهان و مسئولان نیروی دریایی ارتش، قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=31543>
۲. آیت‌الله خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۷). بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=39272>
۳. ارغوانی پیرسالمی، فریبرز و اسمعیلی، محدثه. (۱۳۹۸). «چالش‌ها و موانع دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاورمیانه»، فصلنامه مجلس و راهبرد، سال بیست و ششم، شماره ۹۷.
۴. اعظمی، هادی و همکاران. (۱۳۹۵). «بررسی اهداف کشورهای منطقه ای و فرامنطقه‌ای در چابهار از منظر سیاسی اقتصادی»، نهمین کنگره ژئوپولوتیک ایران و اولین همایش انجمن جغرافیا و برنامه‌ریزی مناطق مرزی ایران.
۵. بوزان، باری و الی ویور. (۱۳۸۸). مناطق و قدرت‌ها، ترجمه رحمت قهرمان‌پور، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۶. پرتوی، اصغر؛ مطلبی، مسعود و موسوی، سیدمحمد رضا. (۱۳۹۵). «بررسی رژیم‌های بین‌المللی منع کاربرد سلاح‌های کشتار جمعی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات بین‌المللی پلیس، دوره ۷، شماره ۲۸.
۷. خراسانی، محمدامین. (۱۳۹۱). «تحلیل راهبردی سواحل جنوب شرق ایران باهدف ارتقای کیفیت زندگی ساحل نشینان»، اولین همایش توسعه سواحل مگران و اقتدار دریایی جمهوری اسلامی ایران، چابهار.
۸. سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی (۱۳۹۲). قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=25370>
۹. دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۸). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: سمت.
۱۰. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال. (۱۳۹۳). نظریه‌های همگرایی منطقه‌ای و رژیم‌های بین‌المللی، نشر مخاطب.
۱۱. دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال و دامن‌پاک جامی، مرتضی. (۱۳۹۵). «دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی: ارزیابی ۲۵ سال روابط اقتصادی ایران و جمهوری‌ها پس از استقلال»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۹۶.
۱۲. دمیرچی‌لو، مجتبی. (۱۳۸۷). «نگاه ایرانی به سیر تحولات رژیم حقوقی دریای خزر»، دوفصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، سال اول، شماره ۱.
۱۳. رحمانی، نرگس و حسینی، ب‌اس. (۱۳۹۱). پس از انزوا (بررسی سیاست خارجی افغانستان پس‌اطالبان). کابل، مرکز مطالعات استراتژیک افغانستان.
۱۴. رضایی بونش، فرزاد. (۱۳۹۱). فرصت‌های چابهار در آینده اقتصاد آسیای مرکزی و نگاه بازیگران، تهران: مرکز بین‌المللی مطالعات صلح.
۱۵. عبدخدایی، مجتبی و رحیمی‌نژاد، محمدعلی. (۱۳۹۷). «راهبردهای ۴۰ ساله آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی.
۱۶. کاسیرر، ارنست. (۱۳۶۰). فلسفه و فرهنگ، ترجمه بزرگ نادرزاده، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۱۷. محمودزهی، موسی. (۱۳۸۷). چابهار و سواحل دریای عمان، خلیج فارس. فرهنگ و تمدن (مجموعه مقالات).
۱۸. مرشایمر، جان. (۱۳۸۸). تراژدی سیاست قدرت‌های بزرگ، ترجمه غلامعلی چگنی زاده، تهران: وزارت امور خارجه.
۱۹. ایرنا. (۲۰۱۹). «Joining Eurasian Union; New Gateway for Iranian Economy»، قابل دسترس در: <https://en.irna.ir/news/83497638/Joining-Eurasian-Union-New-Gateway-for-Iranian-Economy> مشاهده

شده در ۲۰۱۹/۹/۳۰

۲۰. <https://foreignpolicy.com/2016/02/05/chabahar-port-a-win-for-south-asia/>. «Chabahar Port: A Win for South Asia» (۲۰۱۶). قابل مشاهده در

[//www.irna.ir/news/83254202](https://www.irna.ir/news/83254202) مشاهده شده در ۲۰۱۸/۶/۲۰

۲۱. ایرنا (۱۳۹۸). «تجربه آرامش اقیانوسی در چابهار»، قابل دسترس در <https://www.irna.ir/news/83254202> مشاهده شده در ۱۳۹۸/۶/۲۶

شده در ۱۳۹۸/۶/۲۶

۲۲. Masaki, Hisane. «Japan Joins the Energy Race in Central Asia» *Japan Focus* (۲۰۰۶). قابل دسترس در

2006, «Japan Joins the Energy Race in Central Asia», *Asia Times-* مشاهده

References

23. Brown Weiss, Edith (1993). 'International Environmental Law: Contemporary Issues and the Emergence of a New World Order', *Georgetown Law Journal* 81: 675-710.
24. Donald J. Puchala and Raymond F. Hopkin's. (nd). "International Regimes: Lesson form Inductive Analysis", in, Krasner, op.cit. p. 250
25. Essebo, Maja (2019). "A mythical place: A conversation on the earthly aspects of myth", *In Progress in Human Geography* 43(3). p.515-530
26. Keohane, Robert O, (1989). *international institutions and state power*. Boulder Colo: Westviow Press
27. Levy MA, Young OR, Zurn M. (1996). The Study of International Regimes Rr-96-7, June 1996, *Reprinted from the European Journal of International Relations*, Volume 1, Number 3, September 1995
28. Oran R. Young, (2009). "Regime Dynamics: The Rise and Fall of International Regimes", in, Stephen Krasner (ed)., *International Regimes*, (Ithaca and London: Cornell University Press). p.93
29. Priego, Alberto. (2008). Pakistan Between Central and South Asia RSC, *Central Asia and the Caucasus*. No. 6(54). Pp 5573
30. Robert O. Keohane and Joseph S. Nye, (1977). "Power and Interdependence; World Politics in Transition", (Boston; Little Brown, 1977). Pp. 11-12
31. Ruggie, John Gerard (1982) 'International Regimes, Transactions, and Change: Embedded Liberalism in the Postwar Economic Order', *International Organization* 36(2): 379-415.
32. Salmon, Trevor; Imber, (2008). Mark, *Issues in International Relations*, (London: Routledge). 2008: p. 121
33. Stephen D. Krasner, (nd). "Structural Causes and Regime Consequences: Regimes as Intervening Variables", in Krasner, op.cit. p.2.
34. Sweet AS., Brunell TL., The Politics of Majoritarian Activism in the European Convention on Human Rights, the European Union, and the World Trade Organization, *Journal of Law and Courts, Law and Courts Organized Section of the American Political Science Association*, Volume 1, Number 1 | March 2013
35. German, Tracey (2014). "Russia and the Caspian Sea: Projecting Power or Competing for Influence", Strategic Studies Institute, US Army War College Press, Available at: <https://www.ciaonet.org/attachments/26505/uploads>, Accessed on: 14/09/2018
36. Haider, Ziad, (2005). Baluchis Beijing and Pakistan's Gwadar Port, *Georgetown Journal of International Affairs*, Winter & Spring 2005. Pp 95-103

استناد به این مقاله: آدمی، علی، رحیمی نژاد، محمدعلی، عرب پور، امیرحسین. (۱۴۰۲). رژیم بین‌المللی چابهار و تأثیر آن بر ترتیبات تجاری و امنیتی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه خدمات دریایی و بندری، ۱ (۱)، ۲۰۷-۲۳۵.



Marine and Port Servicesch Journalis licensed under a Creative Commons Attribution-Noncommercial 4.0 International License.